

ماهنامه

ادبی

فرهنگی

صنفی

در این شماره می‌خوانید:

صورت جلسه ماه اکتبر ۲۰۱۵

نقش قهوه‌خانه‌ها در تهران قدیم

پیشنهاد به هیئت مدیره آینده

آیا مدت زمان یک شبانه روز همیشه ۲۴ ساعت بوده است؟

تاریخچه واژه اهواز

نذری جالب محرم در اهواز

بوکینست‌های پاریس

انجمن تاکسیران یک انجمن مستقل و دموکراتیک، صنفی و فرهنگی است
«ماهنامه انجمن»، زیر نظر هیئت مدیره انجمن تاکسیران

کنار رودخانه سن از موزه لوور تا Pont Marie در قسمت شمال رودخانه و از پل تورنل تا جلوی آکادمی فرانسه در قسمت جنوبی سن مستقرند و به غیر از کتاب‌های قدیمی و دست دوم، امروزه چیزهای دیگر از قبیل پوستر و کارت پستال، تمبر، مجله و اشیاء فلانتری توریستی و یادگاری نیز می‌فروشند و طبق ماده نه قانون شهرداری که در اول اکتبر ۱۹۹۳ به امضای شهردار وقت یعنی ژاک شیراک رسید، تعریف مشخصی از جعبه‌های سبز رنگ می‌دهد که هر فروشنده حداکثر هشت متر می‌تواند بساط پهن کند و طول هر یک از جعبه‌ها از بیش از دو متر نباید تجاوز کند، همچنین پهنای آنها هفتاد و پنج سانتی‌متر و ارتفاعشان شصت سانتی‌متر باشد.

تاریخچه پیدایش این کتاب فروشی‌ها به قرن شانزدهم برمی‌گردد که فقط دوازده فروشنده اجازه گستردن بساط در اطراف پل سن میشل و نتردام را داشتند و تحت نظر بودند، زیرا که کتاب‌ها و اسناد ماجر جویانه و غیرمجاز نیز که اغلب در هلند چاپ می‌شد می‌فروختند. با گذشت زمان یک عده نیز در کنار Pont Neuf شروع به گستردن بساط کردند و غالباً با پلیس درگیر بودند تا اینکه بعد از انقلاب و رفع سانسور نقش سیاسی‌شان تا اندازه‌ای برطرف شد و از طرف دیگر در سال ۱۹۰۴ سندیکائی برای خود درست کردند نشان (emblème) این حرفه یک مارمولک است که شمشیر را نگاه می‌کنند، در واقع مارمولک در جستجوی آفتاب برای فروش کتاب است و شمشیر مظهر امیال آنان به حرفه نوبل کتابفروشی که ظاهراً در گذشته اجازه داشتند خنجرى به کمر داشته باشند.

و اما کلمه bouquiniste برای اولین بار در سال ۱۷۶۲ در لغتنامه آکادمی فرانسه با تعریف «کسی که کتاب‌های قدیمی را خرید و فروش می‌کند» آمده است. ریشه این لغت یعنی bouquin کتاب کم‌قیمت و یا کهنه چندان معلوم نیست و احتمالاً از کلمه boeckin گرفته شده که در زبان فلانمان (flamand) وجود دارد.

از لحاظ مقررات حرفه‌ای، در سال ۱۸۵۹ با امتیازاتی که از طرف شهرداری داده شد، این فروشندگان اجازه داشتند در حول و حوش چندین پل مشخص بساط پهن کنند و سالی حدود بیست و پنج فرانک به دولت مالیات بپردازند. ساعات کارشان نیز از طلوع آفتاب تا غروب بود و حداقل چهار روز

راضی به یکی از دست‌های خود که نیمی از سطح میز را می‌پوشاند خبره می‌شود، لبخندی می‌زند و با نخوت از سویی تا می‌خورد و جسورانه پاسخ می‌دهد: کمک کردن برای من جنون‌آمیز است. همین پاسخش بهترین جواب بود و به سادگی پیام را رساند. در کنار این نثرهای جدید و ماندگار گروهی دیگر در شهر شوش و بندر امام و خرمشهر نذر کردند زباله‌های ریخته شده در سطح خیابان را هر شب جمع‌آوری کنند. همچنین همزمان با نظافت خیابان، شهروندان را دعوت به رعایت نظافت می‌کنند.

حسن ناصر چهره سرشناس این شهر در زمینه محیط زیست با ذوق فراوان برای نهضت سبز پوش خیمه‌ای برپا کرده و در کنار دوستانش شعارهایی در باره رعایت نظافت را هر شب در دست می‌گیرد و مردم را دعوت به رعایت محیط زیست می‌کند. ناصر هر شب پس از دعوت از مردم برای حفظ نظافت، در پایان اجرای مراسم دسته‌های عزاداری و وقتی خیابان‌های شهر به سکوت و خواب می‌روند، شروع به جمع کردن زباله‌های می‌کند. وی می‌گوید: امسال پیروز شدیم، ما به هدف خود رسیدیم، سه سال سعی کردیم که این فرهنگ میان مردم درونی شود و امشب حتی یک زباله در محوطه خیمه ما بر زمین نیفتاد و مردم همگی نظافت را رعایت کردند.

هر دو می‌کارند، اندیشه و نهال

نذر کتاب، ویزیت رایگان و سیار، کاشت نهال و جمع کردن زباله و در نهایت روشن کردن شمع در کنار کارون آرام برای شام غریبان توسط جوانانی ایده‌پرداز و پرورش داده شد که کمتر حمایتی از آنها می‌شود. رضا، فهیمه، حسن و... هر کدام با ایده‌های خود سعی دارند بذر افزایش آگاهی در جامعه را بکارند، یکی با اهدا کتاب و دیگری با اهدا نهال. می‌کارند تا نسل‌های بعد زیر سایه پرمهر این درختان بنشینند و بخوانند.

برگرفته از اینترنت، تهیه و تنظیم از زهره

XXXXXXXXXX

بوکینست‌های پاریس (Bouquinistes de Paris)

بوکینست‌های پاریس در اصل کتابفروشانى هستند که کتاب‌های قدیمی و دست دوم می‌فروشند و سابقه طولانی دارند. امروزه این کتابفروشان در

می یافتند که هم وسیله کسب لذت برای مشتریان فراهم می آوردند و هم حاضران را با بیان داستان های مختلف، به فضیلت و تجربه می خواندند. اما آنچه از اهمیت ویژه ای برخوردار بود و در واقع به نوعی زائیده همین برده های نقالی به حساب می آمد، نقاشی های قهوه خانه های بود. در قهوه خانه ها، تصاویری از حماسه های مذهبی و باستانی ایران بر دیوارهای قهوه خانه ها، چشمان مردم را خیره می کرد. شاید این نوع نقاشی بیش از هر شیوه دیگر، ویژگی جبری داشته باشد نقطه شروع قلمزنی بر دیوارهای قهوه خانه ها از زمان شاه طهماسب صفوی بود. مردم اولین بار در قهوه خانه های قزوین این نقاشی ها را دیدند، درست زمانی که شاه طهماسب بر مسند قدرت تکیه زده بود.

بعدها مردم اصفهان در دوره شاه عباس نقاشی های متعددی را بر دیوارهای قهوه خانه ها دیدند، اما این نقاشی ها، چندان مورد استقبال کسانی که ساعت ها در قهوه خانه ها حضور داشتند واقع نشد. زمانی که آقا محمدخان تهران را به پایتختی برگزید و در کنار مغازه ها و دکان های مختلف قهوه خانه ها دایر شدند و گسترش یافتند، این روش نقاشی کم کم جا باز کرد و مردم نیز از آن استقبال کردند. این نوع نقاشی ها در این دوره بیشتر ذهنی بود و متکی بر احساس و برداشت های هنرمند از داستان های حماسی و ملی ایران و داستان های مذهبی و تاریخی به ویژه روز عاشورا در صحرای کربلا. مردمی که در قهوه خانه ها می نشستند علاوه بر شنیدن اشعار شاعران و نقالی پرده خوانان، توجه خاصی به این نقاشی ها داشتند. آنها به عنوان اولین مخاطبان هنر نقاشی، مفاهیم و معانی گسترده ای از این آثار می گرفتند و از آن لذت می بردند. در واقع این نقاشی ها، با انکاء بر مضامین ملی و مذهبی و حتی با استفاده از تصاویر شاهزادگان درباری زینت بخش قهوه خانه ها بودند و به نوعی هنر مردمی تلقی می شدند.

مسئولین قهوه خانه که قهوهچی نام داشتند معمولاً افرادی مطمئن و امین مردم بودند. اگر کسی با شخصی در قهوه خانه ای قرار می گذاشت تا وجبی یا چیزی رد و بدل شود و یکی از دو نفر در محل قرار حاضر نمی شد طرف در انتظار، پیام یا امانت خود را به قهوهچی می داد تا هر وقت آمد دریافت کند و این قرار و مدارها و پرداخت و دریافت ها و گفتگوها جزء اسرار مردم بود و قهوهچی محرم اسرار بود. خیلی از قهوهچی ها به خاطر دانستن مطالب و یا انتقال موضوع به شخصی که نباید موضوع را می دانست کشته شدند.

آخرین موضوعی که مورد بحث و گفتگوی مجمع قرار گرفت، تعیین مقدار مبلغ وام ضروری بود که در اولین جلسه مجمع عمومی یعنی ماه قبل (سپتامبر) مطرح و رأی گیری شده بود، که مبلغ وام اضطراری برابر ودیعه عضو متقاضی وام باشد که بنا به رأی گیری حاصله این مسئله تصویب نشد، ولی از آنجائی که کل مبلغ وام (عادی یا معمولی و یا ضروری و غیره) در انجمن بنا به بررسی های انجام شده و رأی گیری معادل دو برابر ودیعه هر عضو می باشد، در این جلسه (مجمع عمومی) نیز بنا به بررسی های لازم و گفتگو بین اعضای انجمن و مسئولین مجمع عمومی و رأی گیری مجدد مقرر شد که مبلغ وام اضطراری حداکثر معادل دو برابر ودیعه متقاضی وام باشد که این موضوع در ماهنامه ماه قبل نیز بطور مفصل در بخش صورت جلسه، توضیح داده شده بود.

موفق و پیروز باشید.

هیئت تحریریه انجمن

XXXXXXXXXXXX

نقش قهوه خانه ها در تهران قدیم

قهوه خانه جایی بود که هرگز از شلوغی آن کاسته نمی شد. مردم ساعت ها در این قهوه خانه ها می نشستند و حتی برخی از آنها امور روزانه شان را در آنجا به انجام می رساندند. وسایل قلیان و چیق کشی، همیشه به راه بود. جای های شیرین در استکان های کمر باریک در دست شاگرد قهوهچی برای مشتریان برده می شد و جای های قندپلو یا به تعبیر جای خوران دیشلمه در استکان های بزرگتر. بسیاری از مردم ساعت های زیادی را در این قهوه خانه ها می گذرانند و حتی نهار و شام خود را در آنجا می خوردند. این قهوه خانه ها بسیار مورد استقبال مردم بودند و آنگونه که در شهر تهران قهوه خانه وجود داشت، به این اندازه هیچ شغل و دکان دیگری دیده نمی شد. تعداد این قهوه خانه ها به اندازه ای بود که هیچ کسب و کاری تا بدین پایه گسترش نیافته بود. در سال ۱۳۱۰ شمسی، تعداد قهوه خانه های تهران به هفتصد و یازده باب رسید. بیشترین قهوه خانه ها در محله بازار قرار داشت. قهوه خانه به نوعی مرکزی برای مردم و بازاریان تبدیل شد و مهمترین اتفاقات و حوادث روز در این مکان ها موضوع بحث مردم قرار می گرفت. با تمرکز مردم و توجه آنها به قهوه خانه ها، کم کم پای شعرا به این اماکن باز و مراسم ویژه ای نیز در همین راستا رایج شد. قهوه خانه ها علاوه بر امور رایج میزبان هنرمندان و مردم و به نوعی مخاطبان هنرهای گوناگون شدند. نقال ها، همه روزه در قهوه خانه ها حضور

هم بودند که نمی‌خواستند خبر از منزلشان خارج بشود آشپز مخصوص داشتند. بطور کلی در گذشته هر کس که کار خاصی داشت و یا مشکلی داشت با مراجعه به قهوه‌خانه می‌توانست راه حل مناسب برای مشکلش پیدا کند.

موفق و پیروز باشید.

تهیه و تنظیم از داود

XXXXXXXXXX

پیشنهاد به هیئت مدیره آینده

بیست و اندی سال از تأسیس انجمن تاکسیران می‌گذرد. تغییرات اجتماعی در این مدت، خصوصاً تحولات ناشی از به صحنه آمدن اینترنت، هم وسایل ارتباط جمعی را به شدت دگرگون کرده و هم حرفه ما را (تاکسی)، به اعتقاد اینجانب بقای انجمن ما مستلزم ایجاد یک تغییرات کلی در ساختار انجمن است. بطوریکه عملکردش با شرایط و تحولات جدید هماهنگ و خدماتش پاسخگوی نیازهای اعضای آن باشد.

دوستان ما اگر دهها پند تشویقی و یا تنبیهی دیگر نیز به اساسنامه‌مان اضافه کنیم، باور کنید نه به تعداد دوستان شرکت کننده در جلسات ماهیانه اضافه خواهد شد و نه عملکرد صندوق را بهتر از این که هست خواهد کرد. این درست است که قطار انجمن همچنان به جلو می‌رود ولی ما در عین حال که کنترل بلیط اعضا را شدیدتر می‌کنیم می‌بایست کمی هم به سوخت موتور قطار فکر کنیم. زغال سنگ دیگر پاسخگوی حرکت قطار نیست، قطار امروزی توربین برقی لازم دارد که از انرژی سیم‌های برق که بالای ریل قطار کشیده شده استفاده کند.

پنج پیشنهاد این حقیر برای نو کردن ساختار انجمن از این قرار است:

۱ - جوانگرایی در ترکیب هیئت مدیره

دوستان، ما حداقل به یکی دو جوان تازه‌نفس که اغلبشان آشنا به کار با شبکه‌های مجازی و اینترنت می‌باشند احتیاج داریم تا باعث و بانی یک سری کارهای اساسی باشند مثل:

الف) ایجاد یک گروه به یک شبکه مجازی مثل تلگرام، فیس‌بوک، وایبر و... و عضویت تمام اعضا انجمن در آن.

ب) اطلاع‌رسانی از طریق این شبکه بطور مستمر (از طریق هیئت مدیره) چه در مورد صندوق و چه در مورد اخبار صنفی.

۲ - حذف ماهنامه مکتوب و جایگزینی آن در

قهوه‌چی‌ها افراد بسیار زیرک و هوشیاری بودند، از بسیاری حوادث روز هم خبر داشتند، بیشتر افرادی که از شهرستان‌ها به تهران فرار می‌کردند حالا یا سیاسی بودند یا آدم کشته بودند یا مشکل مالی داشتند ابتدا قبل از اینکه به مسافرخانه‌ای مراجعه کنند، اول وارد قهوه‌خانه‌ای می‌شدند، با نشستن طولانی مدت در قهوه‌خانه به قهوه‌چی مفهوم می‌کردند که غریبند و راهنمایی لازم دارند. البته قهوه‌چی خودش ختم روزگار بود ولی خوب ارتباط اولیه خیلی مهم بود و اولین علامت، نشستن طولانی مدت، بعد، در یک فرصت مناسب مشکل خود را عنوان می‌کرد و راهنمایی می‌شد. به طور مثال کسی که از رشت فراری بود به مسافرخانه ترک‌ها معرفی می‌شد چون در مسافرخانه رشتی‌ها ممکن بود شناسائی شود. شغل قهوه‌خانه‌داری یکی از شغل‌های خیلی مهم به حساب می‌آمد و در جامعه احترام خاصی داشت.

در قهوه‌خانه هنرمندان که در خیابان لاله‌زار نو قرار داشت، تقریباً همه هنرمندان روزانه سری می‌زدند و کارگردانان و تهیه‌کنندگان آن موضوع هنری، جهت انتخاب هنرمند مورد علاقه خود به قهوه‌خانه هنرمندان مراجعه می‌کردند و در بیشتر اوقات با قهوه‌چی مشورت می‌کردند و قهوه‌چی هنرمند را معرفی می‌کرد.

گاهی اوقات یک تازموارد که استعداد هنری را داشت برای اینکه وارد عرصه هنر شود اول باید وارد قهوه‌خانه می‌شد و هنرش را به قهوه‌چی نشان می‌داد و او بود که تصمیم می‌گرفت او به درد کسی و کجا می‌خورد. بسیاری از هنرمندان قدیمی شروع کارشان از همین قهوه‌خانه‌ها بود.

قهوه‌خانه کار بنگاه شادمانی را هم انجام می‌داد، یعنی اگر کسی برای مراسم عروسی یا ختنه‌سوران پسرش جشنی می‌گرفت، اعضا، ارکستر را از این مراکز تهیه می‌کرد. در آن موقع چند نوع ارکستر بودند ارکستر کورها، گروه روحوضی‌ها، گروه رفاص‌ها، گروه چشم‌پندها.

قهوه‌خانه دیگری هم که در اول خیابان لاله‌زار شمالی بود پاتوق جلونی‌ها بود و از آنجا آشپزها را انتخاب می‌کردند. آشپزها هم چند گروه بودند: گروه کباب‌پزهای سلطنتی که در پخت و توزیع گوشت گوسفند مهارت داشتند، گروه آشپزهای خورشتی جدا بود و برای طبخ خورشتهای مختلف آشپزهای مختلف وجود داشت. آشپزها به نوعی از سیاست و مسائل پشت پرده مملکتی سر درمی‌آوردند و کسانی

صد و هشتاد میلیون سال است. یعنی طول یک شبانه‌روز که امروز دقیقاً بیست و سه ساعت و پنجاه و شش دقیقه و پنجاه و هفت ثانیه است و ۲۴ ساعت حساب می‌شود، چهار صد میلیون سال پیش ۲۲ ساعت و شصت میلیون سال قبل ۲۱ ساعت بوده است و اکنون سرعت چرخش کره زمین در حدود ۴۰۰ متر در ثانیه است و اگر این کره خاکی سالم بماند و بشریت ادامه پیدا کند و آدمیان زنده بمانند همه کرات مانند کره زمین ده میلیارد سال عمر دارند و چون ۴۵۵۵ گذشت است هنوز ۵۵۵ میلیارد سال دیگر باقی مانده است!

oooooooooooo

تاریخچه واژه اهواز

واژه اهواز گویش فارسی شده اهواز است. جمع هوز به معنی خوزی (Khuzi).

فرهنگستان دهخدا سوق الاهواز را بازار خوزیان معنی می‌کند که سوق واژه فارسی عربی شده شهرسوی سا شهرسوق (Suq) بازار است و اهواز اسم جمع واژه هوز (Huz) یا دقیق‌تر از ریشه عربی (هوز) است که همان هوز فارسی است که اولین بار در نوشته‌های زمان اشکانیان (سیروس و داریوش) یافت شده است.

بدینسان اهواز به معنی خوزیان است، یعنی ساکنین غیرعرب خوزستان.

کلمه هوز همان پاک‌نویس سوز (Suse-Susiane) شهر شوش که در فاصله ۱۲۰ کیلومتری شمال اهواز واقع است) می‌باشد که از فارسی دری ماندگار است و اهمیت‌ها به منطقه دادماند.

این زبان فارسی دری کلاً و مجموعاً حرف اول هر کلمه خارجی را که با سین شروع می‌شود به ها تبدیل می‌کند.

مثال واضح دیگر پاک‌نویس لاتینیزاسیون اسم رودخانه و نژاد سند و سند (Sindh/Sindhi) به هند و هندی است که امروزه به نام هندوستان شناخته شده است.

سعید بادارنگ

xxxxxxxxxxxx

نذری جالب محرم در شهر اهواز

تعدادی از جوانان اهوازی در طرح ابتکاری اقدام برپایی غرفه‌ای برای ادای نذر خود کردند ولی نذرهایی که در این خیمه توزیع شد از نوع خوردنی نبود. آن‌ها کتاب نذر کرده بودند.

تا بوده مردم در ماه‌های محرم، صفر و رمضان سعی

شبهه مجازی و ایجاد فضایی که هر کس هر مطلبی را بخواهد در آن قرار دهد (زیر نظر هیئت مدیره).

۳ - تقلیل دوازده گردهم‌آیی (جلسات ماهیانه) به سه یا چهار جلسه بزرگ با شرکت حداکثری. شامل سخنرانی، حرفه، گزارش، شرکت خانواده‌ها، هنری و فرهنگی و...

۴ - تقلیل هزینه حق عضویت از صد یورو در سال به پنجاه یورو و حذف سوپسید غذا.

۵ - ایجاد یک سیستم اتوماتیک مثل بانک‌ها برای بازپرداخت با چک و اطلاع‌رسانی و رأی‌گیری، دادن وام از طریق شبکه مجازی از تمام اعضا.

با آرزوی موفقیت هیئت مدیره آینده در پیشبرد هر چه بهتر قطار انجمن.

صفا

xxxxxxxxxxxx

آیا مدت زمان یک شبانه‌روز همیشه ۲۴ ساعت بوده است؟

خورشید و ۹ سیاره‌ای که پدور آن می‌چرخند منظومه شمسی را تشکیل می‌دهند در حدود ۴،۵۵ میلیارد سال پیش همزمان آفریده شده‌اند و این حالت موازنه (équilibre) امروزی از حدود ۱۵ میلیارد سال پیش بوجود آمده است و ادامه دارد یعنی چرخش کره زمین پدور خود در مدت یک شبانه‌روز و به دور کره خورشید به مدت یک سال از این زمان است. بدین سان کره زمین را به فرقه‌ای که با دو انگشت می‌چرخاند و بحرکت چرخشی می‌افتد و دور خود می‌چرخد و همزمان دور خود چرخیدن دایره‌ای نیز ثبت می‌کند که این دایره همان دایره‌ای است که زمین به مدت یک سال دور خورشید می‌زند.

فرقه به مدت گذشت زمان قوت چرخش (انرژی) خود را از دست می‌دهد و سرعت چرخش کمتر و کمتر می‌شود و از حرکت بازمی‌ایستد. یک صدف دریایی که در عمق کم دریا زندگی می‌کند یعنی در عمقی که نور خورشید نفوذ دارد و روشن است هر روز یک شبانه‌روز که هر چند ساعت طول بکشد این صدف یک لایه نازک به صدف خود می‌افزاید. نوع این صدف قدمتی در حدود ۶۰۰ میلیون سال دارد.

یکی از ژئوفیزیک‌دانان با مطالعه این صدف از شصت میلیون سال پیش توانسته به این نتیجه برسد که کره زمین حکم فرقه را دارد و مثل آن عمل می‌کند. این فرقه کم کم انرژی خود را از دست می‌دهد و طول مدت چرخش (شبانه‌روز) بیشتر می‌شود و این کاهش سرعت چرخش یک ساعت در

قومی را فراموش نمی‌کند نیز می‌گوید: کتاب زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز قومیت‌ها در جغرافیای استان را ترویج می‌دهد.

رضا بعد از چند شب موفقیت‌آمیز برای اجرای ایده نذر کتاب پیروزمندانیه افزود که کتابخوانی جزء آموزه‌های دینی و ملی ما است و نذر کتاب در استان باعث افزایش سرانه مطالعه و گامی مؤثر در چارچوب تحقق این هدف است. وی یادآور شد: در کوی نفت ۳۰۰ کتاب و در منطقه حصیرآباد ۲۰۰ کتاب هدیه دادیم که به نظر استقبال خوبی بود.

فریدونی همچنین افزود: پس از برنامه شب اول و انعکاس رسانه‌ای آن در شبکه‌های محلی و ملی، اتفاق عجیب و دور از انتظاری افتاد. از رستایر ایران پیام‌های همبستگی و رضایت از چنین برنامه‌ای دریافت کردیم. تمامی اقشار و احاد جامعه از این ابتکار ابراز خشنودی و رضایت داشتند. خبر حتی تا دل دورترین نقاط روستایی نفوذ کرده بود و این موضوع اراده دوستان و همکاران ما را در «کاشت» برای پیگیری و ادامه مصرا نه پروژه نذر کتاب را دو چندان کرد.

ندا یکی از علاقمندان به کتاب که در شب‌های نذر کتاب برای گرفتن نذری به این غرفه آمده بود در باره اهمیت مطالعه می‌گوید: چه کسی فکرش را می‌کرد آلمانی که موسیقی‌دانی مثل باخ و فیلسوفانی مثل کانت داشت موجود ضرور و خطرناکی مثل هیتلر بیرون بدهد که در مدت چند سال ملتش را به پدبختی و جنسایت بکشاند؟ برای همین باید بترسیم و هوشیار باشیم و هنگام ضرورت آژیر خطر را بکشیم. به نظرم افزایش زمینه مطالعه می‌تواند جلوی تولد افراد ضرور را بگیرد.

در کنار نذر کتاب، نذر ویزیت رایگان نیز توسط یک پزشک در روز عاشورا اجرا شد. این پزشک درخواست نامی از وی ذکر شود. در گوشه‌ای از یک شبیه‌خوانی نسبتاً کوچک و محلی در یکی از مناطق اهواز به دکتری برمی‌خورید که روی تخت سنگ نشسته و سرگرم ویزیت بود. آنچنان از دستاورد خود خوشحال بود که در میان امواج صدای مراسم و دود اسفند و شلوغی به سختی متوجه حضور کسی می‌شود. بی‌آنکه از کسی سخنی شنیده باشد می‌گوید: چه روز پر خیر و برکتی. وقتی از او در باره هدف از این کارش می‌پرسید با حالتی از خویش

می‌کنند خوراک بدن انسان را در نذورات خود تأمین کنند اما امسال دیدیم گروهی تلاش کردند در کنار خوراک بدن، خوراک روح انسان‌ها را نیز فراهم کنند. اعضا گروه فرهنگی «کاشت» امسال در دو منطقه «حصیرآباد» و «کوی نفت» اهواز با تلاش‌های مستمر سعی کردند غرفه‌ای برای اهدای کتاب بصورت نذری در نظر بگیرند. همچون آجیلی رنگارنگ، کتاب‌هایی متنوع با موضوعات مختلف روی میز، منظم چیده شده بودند و هر کس می‌توانست به انتخاب خودش هر تعداد کتاب دوست داشته باشد را بردارد.

کوچه گردی «کاشت»

فهیسه صیادی، دختری که همیشه دغدغه ایده‌های جدید را در سر دارد با تلاش دیگر دوستانش تاکنون برنامه‌های جذابی در زمینه علاقمند کردن مردم به مطالعه را انجام داده است. او که از اعضای هیئت موسسه انجمن کاشت است می‌گوید که روز اول برنامه نذر کتاب را در منطقه کوی نفت برگزار کردیم و بعد از انتشار فراخوان حدود ۵۰۰ کتاب از طرف مردم به ما اهدا شد تا در نذر کتاب از آنها استفاده کنیم.

این فعال فرهنگی ضمن ابراز امیدواری برای فعالیت‌های آینده گفت که گروه کاشت نیز به میزان دو میلیون تومان کتاب نذری تهیه کرد. بعد از دو روز ادامه برنامه را در منطقه حصیرآباد انجام دادیم و برای روزهای آینده نیز برنامه‌های دیگری را از جمله کوچه گردی، اهدا کتاب به خوابگاه‌ها و تجهیز یک مدرسه به کتابخانه را در نظر داریم.

کتاب و هنشینی فرهنگ‌ها

مؤسسه کاشت، فعالانی در حوزه‌های مختلفی دارد. یکی متخصص اجرای برنامه‌ها است و دیگری تحلیل‌گر، یکی رایزن خبره و آن یکی هماهنگ کننده منظم و دقیق. این گروه طی یک سال توانست اهواز را به عنوان اولین پایتخت کتاب ایران معرفی کند. هر چند که در این مسیر، بسیاری ارگان و سازمان‌ها پای وعده‌های ناتمام آمدند و بعدها شاته خالی کردند اما کاشت با پشتوانه فعالان جوانش همچنان با ایده‌های جدید به سوی هدفش پیش می‌رود.

رضا فریدونی، مدیر عامل تشکل مردم نهاد کاشت، از دیگر فعالان این مجموعه است که همواره در کنش‌هایش هیچگاه توجه به فرهنگ و تکرش

کنار رودخانه سن از موزه لوور تا Pont Marie در قسمت شمال رودخانه و از پل تورنل تا جلوی آکادمی فرانسه در قسمت جنوبی سن مستقرند و به غیر از کتاب‌های قدیمی و دست دوم، امروزه چیزهای دیگر از قبیل بوستر و کارت پستال، تمپر، مجله و اشیاء فانتزی توریستی و یادگاری نیز می‌فروشند و طبق ماده نه قانون شهرداری که در اول اکتبر ۱۹۹۳ به امضای شهردار وقت یعنی ژاک شیراک رسید، تعریف مشخصی از جعبه‌های سبزرنگ می‌دهد که هر فروشنده حداکثر هشت متر می‌تواند بساط پهن کند و طول هر یک از جعبه‌ها از بیش از دو متر نباید تجاوز کند، همچنین پهنای آنها هفتاد و پنج سانتی‌متر و ارتفاعشان شصت سانتی‌متر باشد.

تاریخچه پیدایش این کتاب فروشی‌ها به قرن شانزدهم برمی‌گردد که فقط دوازده فروشنده اجازه گستردن بساط در اطراف پل سن‌میشل و نتردام را داشتند و تحت نظر بودند، زیرا که کتاب‌ها و اسناد ماجرأجوبانه و غیرمجاز نیز که اغلب در هلند چاپ می‌شد می‌فروختند. با گذشت زمان یک عده نیز در کنار Pont Neuf شروع به گستردن بساط کردند و غالباً با پلیس درگیر بودند تا اینکه بعد از انقلاب و رفع سانسور نقش سیاسی‌شان تا اندازه‌ای برطرف شد و از طرف دیگر در سال ۱۹۰۴ سندیکائی برای خود درست کردند نشان (emblème) این حرفه یک مارمولک است که شمشیر را نگاه می‌کنند، در واقع مارمولک در جستجوی آفتاب برای فروش کتاب است و شمشیر مظهر امیال آنان به حرفه توبل کتابفروشی که ظاهراً در گذشته اجازه داشتند خنجرى به کمر داشته باشند.

و اما کلمه bouquiniste برای اولین بار در سال ۱۷۶۲ در لغتنامه آکادمی فرانسه با تعریف «کسی که کتاب‌های قدیمی را خرید و فروش می‌کند» آمده است. ریشه این لغت یعنی bouquin کتاب کم‌قیمت و یا کهنه چندان معلوم نیست و احتمالاً از کلمه boeckin گرفته شده که در زبان فلامان (flamand) وجود دارد.

از لحاظ مقررات حرفه‌ای، در سال ۱۸۵۹ با امتیازاتی که از طرف شهرداری داده شد، این فروشندگان اجازه داشتند در حول و حوش چندین پل مشخص بساط پهن کنند و سالی حدود بیست و پنج فرانک به دولت مالیات بپردازند. ساعات کارشان نیز از طلوع آفتاب تا غروب بود و حداقل چهار روز

راضی به یکی از دسته‌های خود که نیمی از سطح میز را می‌پوشاند خیره می‌شود، لیخندی می‌زند و با نخوت از سویی تا می‌خورد و جسورانه پاسخ می‌دهد: کمک کردن برای من جنون‌آمیز است، همین پاسخ بهترین جواب بود و به سادگی پیام را رساند. در کنار این نفرهای جدید و ماندگار گروهی دیگر در شهر شوش و بشدر امام و خرمشهر نذر کردند زباله‌های ریخته شده در سطح خیابان را هر شب جمع‌آوری کنند، همچنین همزمان با نظافت خیابان، شهروندان را دعوت به رعایت نظافت می‌کنند.

حسن ناصر چهره سرشناس این شهر در زمینه محیط زیست با ذوق فراوان برای نهضت سبز پوش خیمه‌ای برپا کرده و در کنار دوستانش شعارهایی در باره رعایت نظافت را هر شب در دست می‌گیرد و مردم را دعوت به رعایت محیط زیست می‌کند. ناصر هر شب پس از دعوت از مردم برای حفظ نظافت، در پایان اجرای مراسم دسته‌های عزاداری و وقتی خیابان‌های شهر به سکوت و خواب می‌روند، شروع به جمع کردن زباله‌های می‌کند. وی می‌گوید: امسال پیروز شدیم، ما به هدف خود رسیدیم. سه سال سعی کردیم که این فرهنگ میان مردم درونی شود و امشب حتی یک زباله در محوطه خیمه ما بر زمین نیفتاد و مردم همگی نظافت را رعایت کردند.

هر دو می‌کارند، اندیشه و نهال

نذر کتاب، ویزیت رایگان و سیار، کاشت نهال و جمع کردن زباله و در نهایت روشن کردن شمع در کنار کارون آرام برای شام غریبان توسط جواتانی ایده‌پردازی و پرورش داده شد که کمتر حمایتی از آنها می‌شود. رضا، فهمیه، حسن و... هر کدام با ایده‌های خود سعی دارند بذر افزایش آگاهی در جامعه را بکارند، یکی با اهدا کتاب و دیگری با اهدا نهال. می‌کارند تا نسل‌های بعد زیر سایه پرمهر این درختان بنشینند و بخوانند.

برگرفته از اینترنت، تهیه و تنظیم از زهره

XXXXXXXXXX

بوکینست‌های پاریس (Bouquinistes de Paris)

بوکینست‌های پاریس در اصل کتابفروشانى هستند که کتاب‌های قدیمی و دست دوم می‌فروشند و سابقه طولانی دارند. امروزه این کتابفروشان در

